



فاگو زیست

(زیست خوار)

زیست پیش دانشگاهی ۱

مفهومی، ترکیبی، تعمیمی، مقایسه ای



● مؤلف: فردین جوادی

اصلاح گیاهان با مهندسی ژنتیک:

اولین اصلاح کنندگان بذر کشاورزانی بودند که بذرهای بهترین گیاه خود را انتخاب می کردند، آنها را می کاشتند و بدین ترتیب به تدریج در نسل های متمادی گیاهان را اصلاح می کردند. در قرن بیستم، اصلاح کنندگان بذر برای انتخاب گیاهان مبنای ژنتیک را به کار بردند. امروزه مهندسان ژنتیک می توانند ویژگی های مطلوب را با دست ورزی ژن به گیاهان بیفزایند. مهندسان ژنتیک می توانند به روش های مختلف، گیاهان را تغییر دهند؛ از جمله ایجاد گیاهان مقاوم به شرایط خشکی و تولید گیاهانی که با خاک های مختلف، اقلیم های متفاوت و فشارهای محیطی سازگاری حاصل کنند، تنظیم سرعت رسیدن میوه ها و افزایش ارزش غذایی گیاهان. به عنوان مثال، با انجام روش های مهندسی ژنتیک روی گیاه برنج، سویه های دارای میزان بالای بتاکاروتن (که در بدن به ویتامین A تبدیل می شود) و آهن تولید شده اند. این دست آوردها در بخش هایی از (نه همه جا!) قاره ی آسیا اهمیت خاصی دارند، زیرا بسیاری از (نه همه!) مردم آن از کمبود ویتامین A و آهن رنج می برند. در واقع می توان با انتقال ژن ها به گیاهان باعث اصلاح محصولات آنها شد.

پس بچه ها اگر بخوام انواع تغییراتی که به کمک مهندسی ژنتیک در گیاهان ایجاد کردن رو بگم اینجوری میشه:

- ایجاد گیاهان مقاوم به خشکی
- افزایش ارزش غذایی گیاهان
- تنظیم سرعت رسیدن میوه ها
- تولید گیاهانی سازگار با خاک های مختلف، اقلیم های متفاوت و فشارهای محیطی

نکته مهم: بچه ها دقت داشته باشید به جمله های کتاب درس که طراح با تخیل یک کلمه میتونه گرفتارتون کنه! عاغا ماده C بتاکاروتن (پیش سزویتامین A) که به ویتامین A تبدیل میشه در کج این اتفاق میافته؟ در بدن انسان! و نه در برنج! برنج بتاکاروتن رو فقط داره! و تولیدش می کنه پس ما در برنج واکنش تبدیل بتاکاروتن به ویتامین A رو نمی تویم بینیم.

نکته مهم: بچه ها ویتامین ها رو جور بودن. محلول در چربی و محلول در آب! ویتامین A جز ویتامین های محلول در چربی هست. تو فصل گزارش سال دوم می خونیم که این ویتامین همانند سایر ویتامین های محلول در چربی وقتی توسط سلول های استوانه ای روده جذب شد وارد مویرگ های نفی می شود و نه خون! برای همین این ویتامین به کبد نمی رود! بلکه وارد بزرگ سیاهرگ زیرین می شود و بعدش از اونجا میره تو قلب.

به نکات ترکیبی زیر در رابطه با آهن توجه کنید:

آهن نوعی فلز است که در بدن انسان سالم و بالغ حدودا (نه دقیقا!) ۴ گرم ذخیره شده است که بخش عمده ی این آهن در ساختار هموگلوبین ها و میوگلوبین ها می باشد. میوگلوبین ها در ماهیچه های مخطط ما قرار دارند و هموگلوبین ها هم در اریتروسیت ها (گلبول های قرمز خون) قرار گرفته اند. در فصل گردش مواد باز میخوانیم که اگر در یک فردی مقدار آهن کاهش یابد چون هموگلوبین ها بخشی از ساختارشان دارای آهن است (قسمت هم آن) در این صورت گلبول های قرمز اندازه شان کوچکتر از حالت نرمال خواهد شد چرا که مقدار هموگلوبین کمتری تولید می شود.

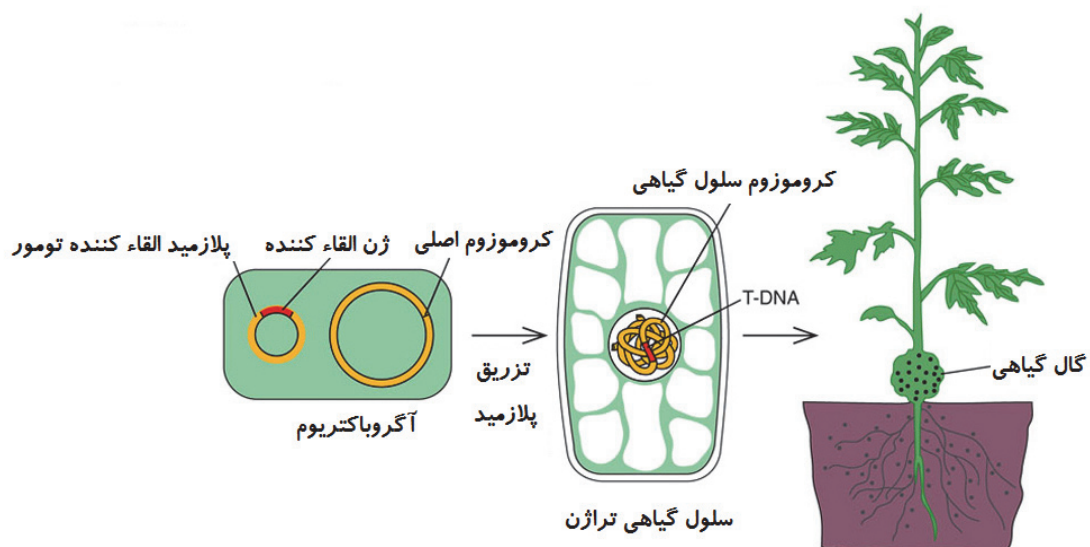
نکته مهم: بچه ها دقت داشته باشید ما گیاهان رو دست ورزی میکنیم! و نه حشرات رو! در ضمن علف کش ها تخیر نمی کنن! یعنی با مهندسی ژنتیک علف کش های تخیر یافته تولید نمی کنن! بلکه گیاهان رو تخیر میدن.

نکته مهم: فرض کنید گیاهانی که تحت دست ورزی قرار گرفتند تا مثلاً مقدار بتاکاروتن و آهن بالایی داشته باشند اگر ژنی که وارد ژنوم سلول های گیاهی می کنیم از یک نوع گونه ی دیگر باشد مثلاً ژن انسانی باشد در این صورت گیاه ما جاندار ترانژن محسوب می شود.

سازندگان علف کش هایی که در طبیعت زود تجزیه می شوند **انواعی از گیاهان زراعی** مقاوم به این علف کش ها را تولید کرده اند. ویژگی این گیاهان زراعی باعث می شود که کشاورزان بتوانند با کاربرد این علف کش ها علف های هرز را از بین ببرند، بدون این که به گیاهان زراعی آسیب برسد. چون برای از بین بردن علف های هرز نیاز به شخم زدن زمین نیست، خاک های سطحی کمتر دستخوش فرسایش می شوند. دانشمندان با وارد کردن یک ژن **درون محصولات گیاهی**، گیاهانی تولید کرده اند که نسبت به حشرات مقاوم هستند. گیاهانی که نسبت به حشرات مقاوم اند، نیازی به استفاده از سموم حشره کش که آلوده کننده ی محیط زیست هستند، ندارند.

کشف یک وکتور گیاهی:

بچه ها یک باکتری وجود دارد که کاری به اسمش نداریم چون در کتاب درسی چیزی گفته نشده. (صرفاً جهت اطلاع: *آگروباکتریوم* اسم این باکتری هستش) این باکتری در داخل خود علاوه بر کروموزوم اصلی، پلازمید هم دارد! در این پلازمید یک ژن خاصی وجود دارد که این ژن اگر بیان بشود (یعنی از روی آن محصول فعال تولید بشود) این محصول می تواند یک کاری بکند! خوب این کار چی هستش؟ بچه ها حوصله م نمیکشه کتابی حرف بزنم! آغا جون این باکتری در واقع میتونه یه سری از (به قول کتاب درسی بسیاری از و نه همه!) **گیاهان زراعی رو مثل گوجه فرنگی، توتون و سویا** رو آلوده کنه! در واقع این باکتری میاد به طریقی پلازمید خودش رو به سلول گیاهی تزریق می کنه. بچه ها گفتیم که در داخل این پلازمید خاص یک ژن خاصی قرار داره. پلازمید وقتی وارد سلول گیاهی میشه جدا خودش رو لابه لای یکی از کروموزوم های سلول گیاهی قرار میده! این ژن خاصی که درون این پلازمید قرار داره در داخل سلول گیاهی آلوده شده بیان میشه و محصولی رو ایجاد میکنه. این محصول تولید شده باعث میشه که سلولهای گیاهی هم از نظر اندازه بزرگ بشن (رشد ابعاد سلولی به صورت برگشت ناپذیر) و هم اینکه به صورت شلاقی و افسار گسیخته! **تقسیم های میتوزی** انجام بدن! چجوری؟ بچه ها در واقع این ژن باعث میشه که **هورمون های محرک تقسیم سلولی** در گیاه به صورت افسار گسیخته ساخته بشه! این هورمون کیا بودن؟ گیاهی سال سوم یادت نیست؟ این هورمون ها **اکسین ها و سیتوکینین ها** بودن! در واقع بچه ها این ژن باعث ایجاد سرطان در گیاه میشه!



وقتی یک گیاه به این پلازمید آلوده میشه بعد از یک مدتی یه چیز قلمبه فرتی از گیاه میزنه بیرون! به این قلمبه میگویند **تورمور** یا همون **گال**! طبق تعریف کتاب درسی گال نوعی بیماری گیاهی است که باعث ایجاد تورمورهای بزرگ (نه کوچک!) روی (نه درون!) گیاه می شود. خوب عاغا این ژن چی چی هست؟ بچه ها این ژن در واقع چون داره تورمور رو به گیاه القاء میکنه بهش میگن ژن القاء کننده ی تورمور! که با کلاسش میشه **Tumor inducing** و چون این ژن در ساختار اون پلازمید قرار گرفته به این پلازمید میگن پلازمید **Ti** که در واقع مخفف کلمه ی **Tumor inducing** هستش.



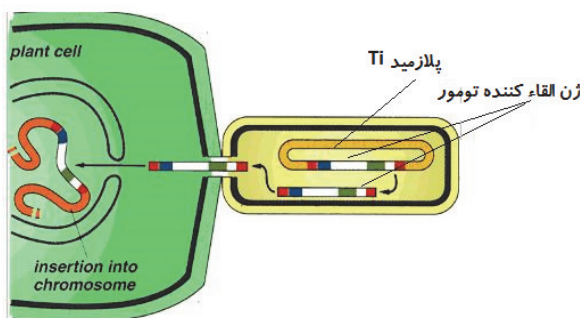
یادآوری: در صفحه ی ۲۲۰ سال سوم دبیرستان می خوانیم که سیتوکینین ها در رئوس ریشه ، دانه و میوه تولید می شوند و تقسیم سلولی را تحریک می کنند. همچنین در صفحه ۱۹۹ میخوانیم که اکسین ها باعث افزایش انعطاف پذیری دیواره های سلولی می شوند و این امر امکان طویل شدن سلول ها هنگام رشد را فراهم می کنند.

نکته مهم: بچه ها ژن القاء کننده ی **تورمور** مگه یه ژن پروکاریوتی نیست؟ پس می تونیم بگیم این ژن به صورت اپران است! یعنی یک بخش تنظیمی دارد و یک بخش ساختاری!

نکته مهم: دقت داشته باشید که این ژن در باکتری همواره خاموش است و هیچ گاه اپران آن روشن نمی شود! پس می توان استنباط کرد که این اپران دارای اپراتور نیز می باشد که پروتئین مهارکننده همواره در داخل باکتری به آن متصل است.

نکته مهم: پس بچه ها می تونیم بگیم که این ژن هیچگاه توسط آنزیم RNA پلی مرار پروکاریوتی رونویسی نمیشد! پس توسط کی رونویسی میشه؟ بچه ها این ژن وقتی که وارد کروموزوم سلول گیاهی شد یعنی وارد DNA خطی شد رونویسی میشد! محصول این ژن قطعه از جنس پروتئین است! پس mRNA محصول رونویسی آن است! پس توسط RNA پلی مرار یوکاریوتی نوع ۲ رونویسی می شود! بعد این mRNA توسط ریبوزوم های بزرگ و پیچیده ترجمه می شوند. حالا اینکه چجوری این ژن پروکاریوتی توسط آنزیم RNA پلی مرار یوکاریوتی رونویسی میشه بماند! (این نکته در هر کلتور می باشد وگرنه در عالم واقعیت چیز دیگری است)

نکته مهم: دقت داشته باشید که این ژن فاقد توالی اضراننده می باشد و برای رونویسی آن عوامل رونویسی ضروری ندارند.



نکته مهم: در کتاب درسی نوشته شده است که «این پلازمید وارد سلول های گیاهی می شود و بدین طریق گیاه را آلوده می کند.» بچه ها از این جمله می تونیم بفهمیم که باکتری خودش وارد سلول نمیشه بلکه پلازمید خودش رو به داخل سلول گیاهی تزریق می کنه!

توجه توجه

بچه ها حقیقت اینه که باکتری میاد یه نسخه از رو ژن Ti میسازه درون خودش و این نسخه رو میفرسته داخل سلول گیاهی! نه اینکه پلازمید وارد سلول بشه (شکل صفحه قبل)! اما شما بر اساس متن پر از اشکال کتاب درسی همون ورود پلازمید رو بپذیرید.

نکته مهم: در فصل ۶ سال سوم می خوانیم که یکری از ویروس ها همانند باکتریوفترها برای اینکه میزبان خود را آلوده کنند ژنوم خود را به سلول میزبان تزریق می کنند! این باکتری به کاری شبیه به کار باکتریوفتر انجام میده. میزبان اول یوکاریوت هست اما میزبان باکتریوفتر پروکاریوت هست. بچه ها یادتون باشه باکتریوفتر سوراخ میکنه دیواره ی باکتری رو! اما در مورد عامل گال کتاب درسی چیزی نگفته که بتونیم بفهمیم چجوری پلازمید رو تزریق می کنه.

نکته مهم: ما ویروس داریم به اسم TMV که این ویروس ژنوم خودش را به داخل سلول گیاهی تزریق نمی کنه بلکه خودش از طریق منافذ موجود در دیواره های سلولی گیاهان وارد سلول میزبان می شه.

نکته مهم: تو فصل رشد و نمو در گیاهان می خونیم که «میزان هورمون اتیلن در واکنش به زخم های مکانیکی بافته ها، آلودگی هوا، عوامل بیماری زا، شرایط غرقابی و بی هواری افزایش می یابد» پس بچه ها گیاهانی که توسط عامل گال آلوده و بیمار بشن میزان اتیلنشون خیلی زیاده! و این یک نوع پاسخ دفاعی محسوب میشه. پس در این گیاهان اتیلین اکسین و سیلوکسین زیاد میشه.

سایر بیماری زاهای گیاهان شامل موارد زیر است که در اینجا هم میزان اتیلن گیاه زیاد می شه:

 **ویروس TMV** ← باعث ایجاد بیماری موزائیک تنباکو در گیاهان تنباکو و خویشاوندان آن می شه.

 **ویروئید** ← نوعی ذره ی عفونی از جنس RNA که باعث ایجاد بیماری در گیاهان می شه اما نوع بیماری در کتاب ذکر نشده است.

 **زنگ ها و سیاهک ها** ← از بیماری زاهای مهم گیاهان هستند و نوعی قارچ از نوع بازیدیومیست ها می باشند و تنها بازیدیومیست هایی می باشند که تولید مثل غیرجنسی دارند! (البته در برخی از آنها!). زنگ بازیدیومیستی است که به غلات (گندم و جو و ذرت) حمله می کند و آنها را برای انسان نامطلوب می سازد.

در رابطه با پلازمید Ti به موارد زیر دقت کنید:

 تمامی ژن های آن در قالب اپران سازماندهی شده اند! یعنی چندین عدد اپران دارد.

 در ساختار خود یک عدد جایگاه آغاز همانندسازی دارد و یک عدد هم جایگاه پایان همانندسازی!

 چون چندین اپران دارد پس دارای چندین جایگاه آغاز رونویسی است! و چندین جایگاه پایان رونویسی!

 به تعداد ژن هایش کدون آغاز و نیز کدون پایان دارد.

 در ساختار آن توالی نوکلئوتیدی را می توان یافت که به عنوان جایگاه تشخیص می باشد.

چون پلازمید است پس می تواند به صورت مستقل از باکتری همانندسازی شود. (توسط آنزیم های هلیکاز و DNA پلی مرز) همچنین دارای ژن هایی است که مشابه آن در کروموزوم اصلی باکتری موجود نمی باشد.

فقط سلول های زنده و هسته دار رو آلوده می کند. پس سلول هایی مثل سلول های مرده و فاقد هسته را نمی تواند آلوده کند. مثلا سلول های بافت اسکلرانشیمی (فیبر و اسکلوئید) ، سلول های عناصر آوندی، سلول های کلاهیك ریشه(نه نزدیک نوک ریشه) و سلول های غربالی بافت آوند آبکش

و اما بریم سراغ تیتراصلی! کشف یک وکتور گیاهی! بچه ها دانشمندان اومدن گفتن بیایم از این پلازمید **Ti** بیگاری بکشیم! چیکار کنیم؟ مگه این پلازمید سلول های گیاهی رو آلوده نمی کنه؟ خوب ما می تونیم بیایم از این پلازمید به عنوان یک وکتور یا حامل! بهره ببریم. بچه ها دانشمندان به کمک این وکتور میتونن گیاهانی رو تولید کنن که نوترکیب هستند! و ویژگی هایی رو دارن که مد نظر ما هستش! چجوری؟ فرض کنید می خوایم ما گیاهی رو ایجاد کنیم که این گیاه یک ماده ی خاصی بسازد که در گیاهان ساخته نمی شود! مثلا نوعی پروتئین که در بدن انسان تولید میشود! مثلا می خوایم انسولین و یا پروتئین اینترفرون رو به وسیله ی گیاهان تولید کنیم! دانشمندان میان به قول کتاب درسی اول از همه اون ژن مورد نظر رو از سلول انسانی خارج میکنن. بعد میان پلازمید **Ti** رو از باکتری بیرون میارن. این پلازمید ژنی داشت به اسم ژن ایجاد کننده ی تومور! این ژن رو به قول کتاب درسی از این پلازمید خارج می کنن. به کمک چی؟ به کمک نوع خاصی آنزیم محدود کننده! در واقع بچه ها در پلازمید جایگاه تشخیص خاصی وجود داره و می تونیم با توجه به آنزیم محدود کننده ی مخصوص به اون ، پلازمید **Ti** رو برش بدیم. بچه ها جونم براتون بگه که میان ژن ایجاد کننده ی تورمور رو خارج میکنن (طبق کتاب درسی!) و جاش ژن مورد نظر رو قرار میدن مثلا ژن رمزکننده ی پروتئین اینترفرون یا انسولین. الان این پلازمید **Ti** با اینکار به یک DNA نوترکیب تبدیل شده است. حالا این DNA نوترکیب رو وارد باکتری میکنن.

نکته مهم: در اینجا باکتری یک ژن بیگانه از یک گونه ی دیگر (انسان) دریافت کرده است که همان ژن مورد نظر است. پس باکتری الان یک جاندار تر از آن است.

در مرحله ی بعدی این باکتری ها را در محیط کشتی قرار میدهند که در این محیط کشت سلول های گیاهی وجود دارند. در نتیجه باکتری ها این سلول های گیاهی را آلوده می کنند. یعنی پلازمید نوترکیب خود را به سلول های گیاهی تزریق می کنند. وقتی پلازمید نوترکیب وارد سلول گیاهی می شود خود را درون یکی از کروموزوم های گیاهی جا میدهد. خوب بچه ها قبل از اینکه ادامه بدم اجازه بدین یه سر به سال سوم بزنیم چون لازم هستش. در فصل ۱۰ سال سوم مطالب مهمی میخونیم که در اینجا به دردمون میخوره. من عینا اون مطالب رو براتون میارم:

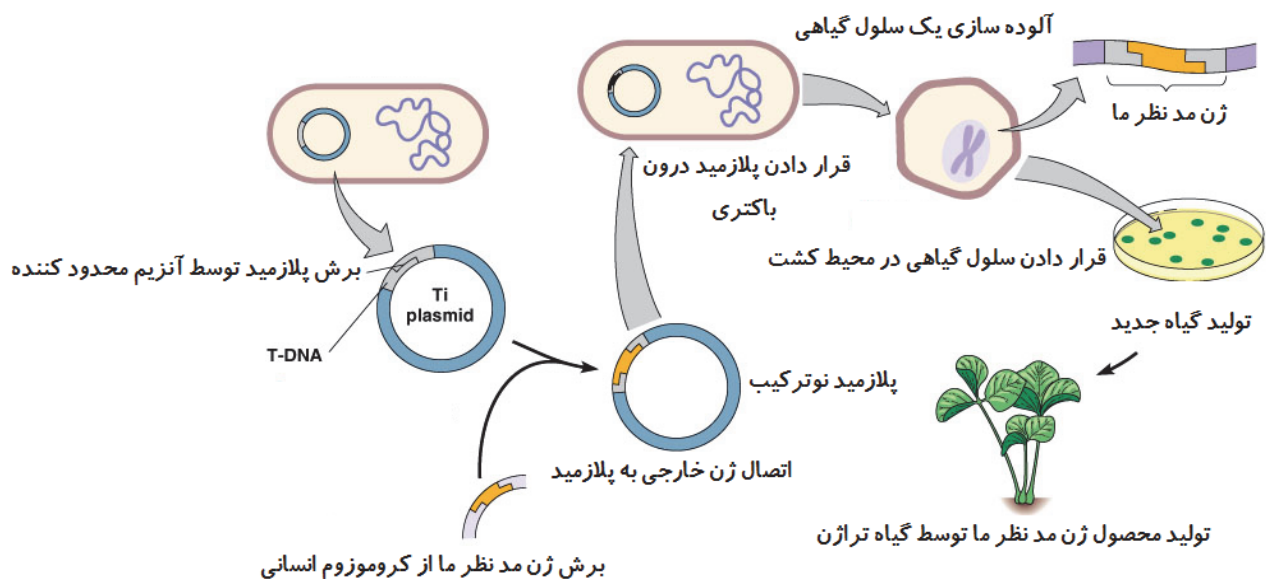
بسیاری از سلول های گیاه بالغ می توانند همه ژن های خود را فعال کنند. چنین سلول هایی می توانند تقسیم شوند و توده هایی از سلول های تمایز نیافته به نام **کالوس** را تولید کنند. به عبارت دیگر تمایز زدایی انجام می دهند. این سلول ها بار دیگر تمایز و به صورت یک گیاه بالغ نمو میکنند. از کشت بافت برای تولید گیاهان استفاده می شود. پایه و اساس کشت بافت قرار دادن یک سلول یا یک قطعه از گیاه در محیط کشت سترون (استریل) می باشد. در این روش با کمک هورمون های گیاهی توده ی سلول های تمایز نیافته پس از رشد و تمایز سر انجام به گیاهانی تبدیل می شوند که از نظر ژنتیکی هم ارز گیاه مادر هستند. در مهندسی ژنتیک ابتدا ژن های دلخواه را وارد سلول های یک گیاه می کنند. سپس سلول هایی را که از نظر ژنتیکی تغییر یافته اند با کمک فن کشت بافت به گیاهان بالغ جدید تبدیل می کنند.

خوب در این جا هم دقیقا همچین اتفاقی میافته! این سلول های گیاهی که الان آلوده به پلازمید نوترکیب هستند طبق توضیحاتی که در بالا دادم هر کدومشون میان توده ی سلولی به اسم کالوس میسازن و در نهایت به یک گیاه کامل تبدیل میشن! بچه ها

یعنی این سلول گیاهی ما که تراژن هستش (چون یک DNA بیگانه از یک گونه ی دیگر دریافت کرده است) میاد تقسیم های میتوز پی در پی انجام میده و میبشه یک گیاه! دقیقا مثل تقسیم سلول زیگوت!

نکته مهم:

گیاهی که بوجود میاد همه ی سلول های زنده اش دارای پلازمید نوترکیب و به تبع اون ژن رمزکننده ی مورد نظر ما (مثلا ژن رمزکننده ی اینترفرئون) می باشند! و می توانند از روی این ژن ها رونویسی و سپس ترجمه انجام دهند و محصول این ژن ها را برای ما تولید کنند! چه ب که این کار رو کردن (صرفا جهت اطلاع؛ بچه ها برای اینترفرئون گاما آکه اشتباه نکنم این کار رو انجام دادن واسه انسولین هم همینطور) همه ی چیزایی که گفتم تو شکل پایین نشون داده شده.



خوب بچه ها اینم از وکتور گیاهی کشف شده! حالا بریم سراغ بحث بعدی تا این مطلب بسته بشه. ببینید همونطور که گفتم این پلازمید **بسیاری از گیاهان زراعی رو میتونه آلوده کنه و نه همه رو!** مثلا این پلازمید **نمی تونه گیاهانی مثل گندم رو آلوده کنه**. خوب چاره ی کار چیه؟ فرض کنید ما میخوایم گیاهان گندمی تولید کنیم که این گیاهان یک ویژگی منحصر به فرد دارن. هزار یه مثال بزنم. مثلا میخوایم گیاهی تولید کنیم که گندمهاس غنی از ویتامین خاصی باشن که از غذا این گندم توانایی تولید این ویتامین رو نداره! خوب ما چیکار می کنیم؟ میایم ژن رمزکننده ی آنزیمی که این ویتامین رو تولید میکنه رو از جاندار خاصی (جانداري که توانایی تولید این ویتامین را دارد) خارج میکنیم (به کمک آنزیم محدود کننده خاص) بعد میایم این ژن رو به کمک یک **دستگاهی که شبیه به تفنگ هستش به صورت مستقیم و بدون نیاز به وکتور و منت کشیدن!** شلیک میکنیم به داخل سلول گیاهی! به این دستگاه میگن **تفنگ ژنی!**

پس برای انتقال يك ژن به درون يك سلول از روش های زیر می توان استفاده کرد:

➡ **وکتورها** ← انواع مختلفی دارند مثل پلازمیدها و ویروس های DNA دار

➡ **تفنگ ژنی** ← بدون نیاز به وکتور ژن مورد نظر وارد سلول می شود.

صرفا جهت اطلاع؛ روش های دیگری هم وجود دارد. مثلا از طریق **یکسری وسیله ها به نام میکروپپیت ها** مستقیما ژن را به درون سلول میزبان وارد می کنند.

تکنولوژی ژن در دامداری:

دامداران مدت ها کوشیده اند که دام ها و محصول آنها را در طی نسل های متوالی و برنامه های تنظیم شده، اصلاح کنند. در گذشته، گاوهایی که شیر بیشتری تولید می کردند، به امید تولید نسل های با شیر بیشتر، باردار می شدند. این فرآیندهای متوالی، طولانی و کم بازده بودند. امروزه در جوامع پیشرفته، بسیاری از دامداران روش های مهندسی ژنتیک را برای اصلاح یا تغییر دام ها به کار می برند. برخی از دامداران برای افزایش تولید شیر به رژیم غذایی گاوها هورمون های رشد می افزایند. در گذشته هورمون های رشد از مغز گاوهای کشته شده استخراج می شد، اما امروزه ژن هورمون رشد گاوی را وارد باکتری ها می کنند. باکتری، این هورمون را با هزینه ای کم تولید می کند، بنابراین اضافه کردن آن به رژیم غذایی گاوها مقرون به صرفه خواهد بود.

نکته مهم: به این کار که یابیم کاری کنیم گاوهای پر شیر ده با هم آمیزش کنند تا شیرهای حاصل از آنها

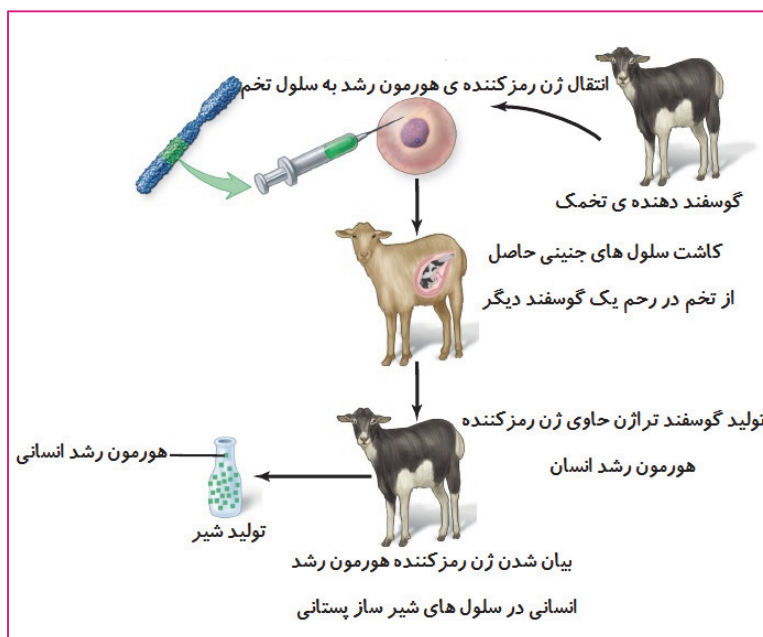
گاوهای پر شیر ده باشد میگویند انتخاب مصنوعی! که در فصل ۵ پیش دانشگاهی میخوانیم که در واقع انتخاب مصنوعی نوعی انتخاب جهت دار می باشد. (اونجا متوجه میشی غصه نخور)

نکته مهم: در فصل هورمون ها می خوانیم که هورمون رشد جزو هورمون های مترشح از هیپوفیز جلویی یا همان پیشین است پس می توان گفت که در گذشته از هیپوفیز گاوها هورمون رشد را استخراج می کردند.

نکته مهم: باکتریهایی که ژن رمزکننده ی هورمون رشد گاوی را دریافت کرده اند چون DNA یک گونه ی دیگر را دارند می توان گفت نوعی جاندار ترانژن محسوب می شوند (باکتری ها رو میلم)

تولید پروتئین های مفید از نظر پزشکی:

کاربرد دیگر تکنولوژی ژن در دامداری افزودن ژن های انسان به دام ها است. هدف از این کار آن است که پروتئین های انسان در شیر دام ها ظاهر شود. این روش بیشتر (نه همواره) برای پروتئین های پیچیده ی انسانی (مثلا پروتئین هایی که چند زنجیره ی پلی پپتیدی دارند مثل پادتن ها) به کار می روند که از طریق تکنولوژی ژن در باکتری ها تولید نمی شوند. پروتئین های انسان را از شیر این جانوران استخراج می کنند (به کمک دستگاه الکتروفورز) و برای اهداف دارویی به کار می برند.



خوب سوال اینجاست که چجوری این کار رو میکنن! بچه ها خیلی ساده س! فرض کن میخوایم کاری کنیم پروتئین پیچیده ای در شیر یک گوسفند ظاهر بشه. میان سلول زیگوتی که در اثر لقاح تخمک و اسپرم ۲ تا گوسفند ایجاد شده رو تحت دست ورزی قرار میدن. در واقع میان ژن رمزکننده ی اون پروتئینی که مد نظر مون هستش رو وارد یکی از کروموزوم های این سلول زیگوت میکنن! این سلول زیگوت رو در محیط کشت قرار میدن و جنین ایجاد میکنه و این جنین رو تو رحم یه گوسفند میکارن و بعد از ۵ ماه این جنین به یک گوسفند کامل تبدیل میشه و به دنیا میاد. این

گوسفند متولد شده چون ژن رمزکننده ی پروتئین خاص رو داره وقتی شیر تولید میکنه این پروتئین در شیرش یافت میشه. میان این پروتئین ها رو از شیر او جدا میکنن و به عنوان دارو میفروشن به ملت.

نکته مهم: دقت داشته باشید که همه ی سلول های گاو و یا گوسفند ایجاد شده دارای ژن رمزکننده ی پروتئین پیچیده مد نظر ما هستن اما این ژن فقط در سلول های پستانی و شیر ساز گاو بیان می شوند.

نکته مهم: در اینجا جانورانی که ژن انسانی وارد آنها شده است جاندار ترانژن محسوب می شوند چرا که یک DNA خارجی در خود دارند و این DNA از یک گونه ی دیگر است! مثلاً گوسفند یک گونه است و انسان یک گونه ی دیگر!

نکته مهم: بچه ها دقت داشته باشید اگر ما یک یا چند ژن انسانی مثل ژن های رمزکننده ی پادتن رو وارد یک باکتری کنیم این باکتری فقط قادر نیست از روی این ژن پروتئین های پادتن را بسازد اما قادر به همانند سازی و رونویسی این ژن ها می باشد. پس باکتری قادر به تولید mRNA می باشد.

کلون کردن:

خوب بچه ها تا اینجا از کارهای خفن که به کمک مهندسی ژنتیک میشه انجام داد آشنا شدین حالا می خوام خفن ترین کاری که با مهندسی ژنتیک میشه انجام داد رو بگم! کلون کردن یعنی چی؟ یعنی تولید نسخه های یکسان و برابر از یک چیزی! ما به کمک مهندسی ژنتیک می تونیم جانوران را کلون کنیم! از جمله پستانداران! مثلاً گوسفندها! گاوها! میمون ها! و حتی انسان ها رو! یعنی چی؟ یعنی اینکه به کمک مهندسی ژنتیک میشه ۲۰ تا دیگه فردین جوادی کلون کرد تا کره زمین از این چیزی که هست خوشگلتر بشه! و یک خدمت بزرگ به جامعه بشری بشه! حالا چجوری؟

قبل از سال ۱۹۹۷:

بچه ها در این روش دانشمندا قبلاً میومدن یکی از سلول های تمایز نیافته ی جنینی و یا نوزادی جانور رو انتخاب می کردن. این جانور میتونه نر باشه میتونه ماده باشه! فرض کنید یکی از سلول های جنین و یا نوزادی رو که از جنس نر هستش انتخاب کردن! بعد میومدن از یک جانور دیگه از همان گونه (یعنی اگه سلول هسته دار جنینی رو از گوسفند انتخاب کردن در اینجا هم باید از گوسفند انتخاب کنن!) سلول تخمک انتخاب می کردن و به کمک روش های خاصی هسته ی این سلول تخمک رو خارج می کردن! بعد به کمک شوک الکتریکی سلول تخمک بدون هسته رو با سلول جنینی یا نوزادی هسته دار ترکیب می کردن و در نتیجه یک سلول جدید بوجود می آمد! این سلول جدید که مثل زیگوت هستش میومد تقسیم می شد و جانور جدید بوجود می آورد!

نکته مهم: به این روش کلون کردن با استفاده از سلول های تمایز نیافته جنینی یا نوزادی!

نکته مهم: دانشمندان تا قبل از ۱۹۹۷ معتقد بودند که فقط با سلول های تمایز نیافته میتون کلون کرد و با سلول-

های تمایز یافته این کار شدن نیست!

از سال ۱۹۹۷ تا الان:

سال ۱۹۹۷ بود که یه دانشمندی به اسم آقای یان ویلموت اومد یک ادعایی کرد که جهان رو حسابی دگرگون کرد! ویلموت اومد گفت که عاغا من تونستم به کمک سلول های تمایز یافته هم یک گوسفند رو کلون کنم! و در نتیجه بچه ها اون فرضیه ی

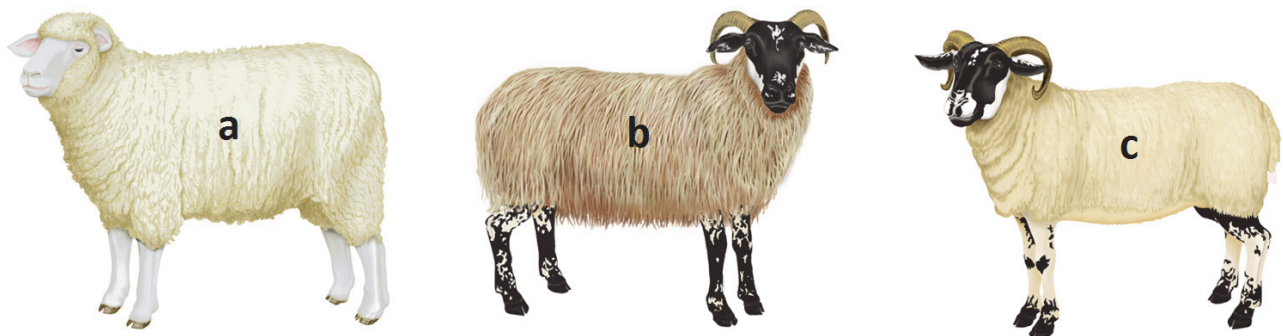
فاگوزیست (زیست خوار)

دانشمندان رو که می گفتن نمیشه از سلول های تمایز یافته جانوری رو کلون کرد، رد کرد! خوب بریم ببینیم ویلموت چکار کرد؟ بچه ها ویلموت در ابتدای کارش اومد ۳ تا گوسفند خوشگل موشگل انتخاب کرد. به این صورت که ۲ تا گوسفند صورت سیاه و هم نژاد انتخاب کرد و یک عدد گوسفند صورت سفید! من برای اینکه در حین توضیحات کارم راحت بشه این گوسفندها را نام گذاری می کنم:

گوسفند صورت سفید ← a ← می تواند نر باشد می تواند ماده باشد!

گوسفند صورت سیاه ← b ← حتماً باید ماده باشد!

اون یکی گوسفند صورت سیاه ← c ← حتماً باید ماده باشد!



بچه ها ویلموت اول از همه اومد چند تا سلول از غده های پستانی گوسفند صورت سفید (a) جدا کرد! بعد این سلول ها را برد گذاشت تو به محیط کشت ویژه ای که داخلش یه سری چیز میز بود! تا این سلول ها چرخه سلولی شون متوقف بشه!

نکته مهم: این سلول ها نوعی سلول تمایز یافته و تخصص یافته هستند!

نکته مهم: این سلول ها رپلویید می باشند یعنی در هسته شون کروموزوم ها ۲ به ۲ با هم همتا هستند! این کروموزوم ها خطی می باشند.

نکته مهم: این سلول ها در خود دارای میتوکندری هایی هم هستند که حاوی DNA حلقوی می باشند.

در قدم دوم ویلموت اومد از گوسفند صورت سیاه b یک عدد سلول تخمک خارج کرد! از کجاش؟ از تخمدان این گوسفند! این سلول تخمک یک سلول هاپلوئید است یعنی در داخل هسته اش کروموزوم ها همگی متفاوت از همدیگه هستند! و هیچ کدومشون همتا ندارن! در ضمن این تخمک لقاح نیافته هستش! بچه ها ویلموت بعدش اومد به کمک تکنیک هایی خاص هسته ی داخل این سلول تخمک رو کشید بیرون! یعنی سلول تخمک هسته دار شد یک سلول تخمک فاقد هسته!

نکته مهم: این سلول تخمک الان فقط یک غده پلاسمایی دارد و یک سیتوپلاسم!

انواع اندامک ها و ساختارهای سلول بجز هسته و اجزاء آن وجود دارد! پس میتوکندری هم دارد و دارای DNA حلقوی است!

نکته مهم: در فصل ۱۱ سوم خوندم که سیتوپلاسم تخمک غنی از لیپیدها و پروتئین ها هست!

در قدم سوم ویلموت اومد یکی از اون سلول های تمایز یافته ی پستانی رو که گذاشته تو محیط کشت ویژه برداشت و گذاشت بغل دست تخمک فاقد هسته! (در محیطی خارج از محیط کشت ویژه!) بعد یه پخ کرد! این دو تا سلول زبون بسته هم از ترس پریدن

بغل همدیگه و همدیگر رو بغل کردن! در واقع بچه‌ها ویلموت اومد با کمک یک شوک الکتریکی که به اینها داد باعث شد تا این دو تا سلول غشاء پلاسمایی شون باز بشه و با هم دیگه ادغام بشن! در نتیجه یک سلول جدید از ترکیب این دو تا سلول بوجود اومد که شامل این ویژگی‌ها بود:

➤ غشاء پلاسمایی اون از ترکیب غشاء پلاسمایی هر دو سلول هستش.

➤ سیتوپلاسم اون از ترکیب هر دو سلول هستش اما بخش عمده‌اش مال تخمک هستش.

➤ هسته‌ی سلول در واقع همون هسته‌ی سلول پستانی تمایز یافته هستش.

این سلول جدید بوجود اومده یه جورایی حکم زیگوت برای ما داره! یعنی یک سلول دیپلوئید که قدرت تقسیم بالایی داره و تمایز نیافته هستش و میتونه هی تقسیم بشه و تقسیم بشه و تقسیم بشه! و با انجام تمایزهایی یک گوسفند رو بوجود بیاره! برای همین ویلموت اومد این سلول جدید دیپلوئید و تمایز نیافته رو گذاشت تو یه محیط کشت دیگه ای (نه اون قبله!) و این سلول بلافاصله شروع کرد به انجام تقسیم میتوز! دقیقاً مثل سلول زیگوتی که در رحم انسان تولید میشه! بچه‌ها این سلول به مدت چند روز در محیط آزمایشگاهی (نه رحم گوسفند!) تقسیم‌های میتوزی انجام داد و از یکی شد یه گونی! و در نتیجه بلاستوسیست رو تشکیل داد! اگه این چیزا یادت نیست زود تند سریع بدو برو فصل ۱۱ سوم رو نگاه کن و بیا!

بعد ورداشت این بلاستوسیست رو به کمک روش‌هایی تو رحم گوسفند c یعنی همون صورت سیاهه کاشت! و عمل جایگزینی توسط بلاستوسیست انجام شد! کم‌کم این بلاستوسیست رشد کرد لایه‌های مختلف جنینی رو ساخت و در نتیجه جفت و بند ناف ایجاد شد و جنین از جدار رحم جوانه زد! بعد از حدود ۵ ماه (برخلاف انسان که ۹ ماه هستش) یک بره (به بچه‌ی گوسفند میگن بره!) بدنیا اومد! ویلموت هم از سر ذوق و شوق اسم این بره رو گذاشت دالی!

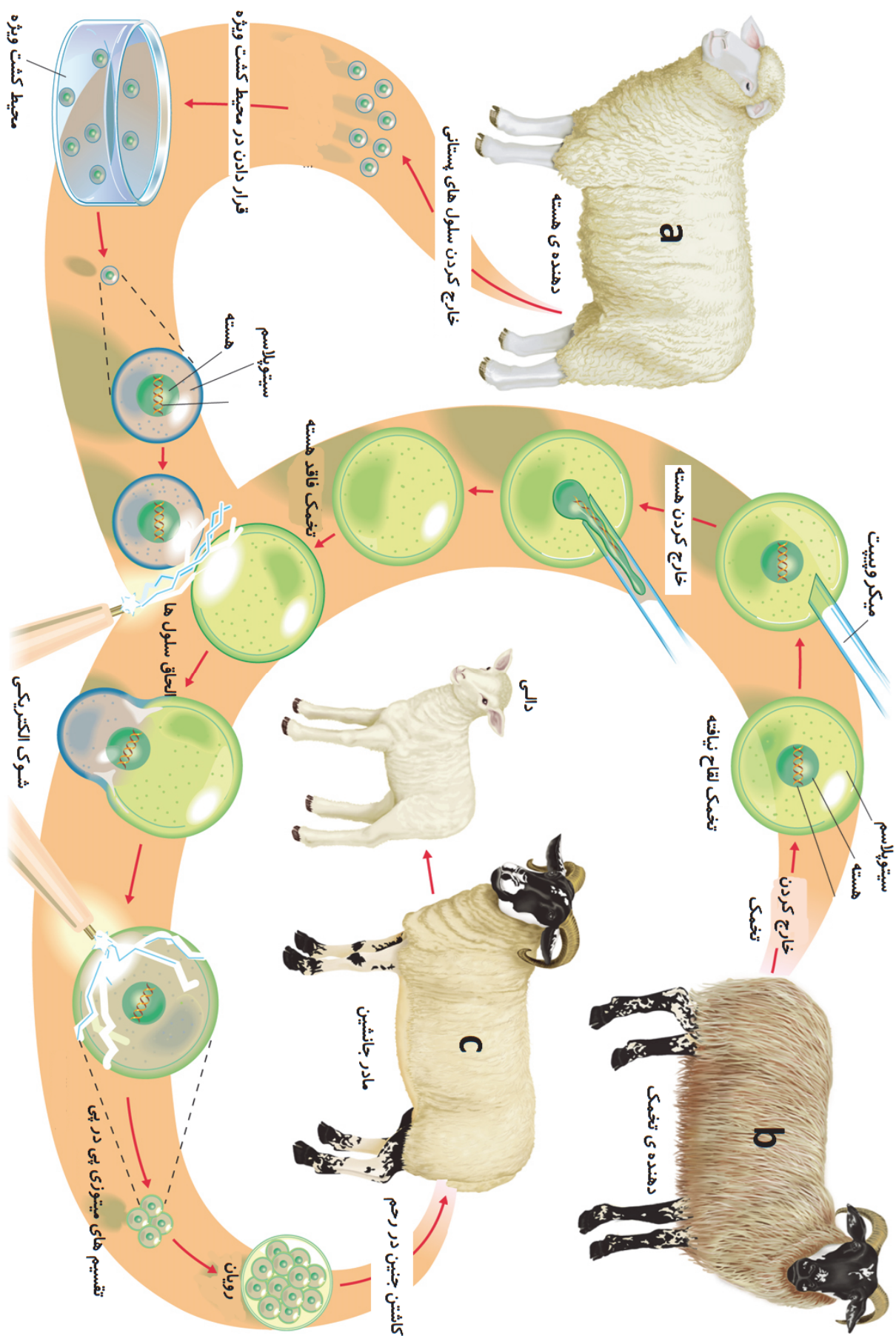
دقت کنید که ما ۲ تا گوسفند صورت سیاه داریم یکی گوسفند صورت سیاه که اون رو b نامیدیم! این گوسفند تخمک داد! و یکی هم گوسفند صورت سیاه دیگه که اون رو c نامیدیم! این گوسفند رحم خودش رو به ما تقدیم کرد! به این گوسفند صورت سیاه c میگن مادر جانشین! یا بقول کتاب مادر جانشینی! که اسمش روشه! یعنی از رحم اون برای رشد جنین استفاده کردیم!

نکته مهم: با توجه به شکل کتاب درسی می‌بینیم که سلول تخمک بدون هسته از سلول پستانی بزرگ‌تر هستش پس می‌تونیم بگیم که نسبت سطح به حجم سلول تخمک بدون هسته کمتر از نسبت سطح به حجم سلول پستانی هستش! اولین تقسیم سلول دیپلوئید در محیط آزمایشگاه بود و ما هیچ زیگوتی را وارد رحم گوسفند مادر جانشین نکردیم.

نکته مهم: بچه‌ها طبق شکل درسی می‌بینید که وقتی سلول دیپلوئید اولین تقسیم میتوزش رو انجام می‌ده اون رو ۴ سلول حاصل از تقسیم یعنی سلول‌های دختری حجم و اندازه جفت‌شون رو هم (رنگه ماوی) با حجم و اندازه‌ی سلول دیپلوئید مادر هستش!

توجه توجه ⚠

در انسان هم وقتی سلول زیگوت تقسیم میتوز انجام می‌ده سلول‌های حاصل از اون کوچک‌تر از خودش هستند! پس میشه گفت در این حالت سلول‌های دختر نسبت سطح به حجم شون بیشتر از این نسبت در سلول زیگوت است! فوب بچه‌ها حالا همه ی این کارهایی که یان ویلموت انجام داد رو در تصویر بسیار زیبایی صفحه بعد می‌تونید ببینید.



نکته مهم: با توجه به شکل کتاب درس گوسفند دالی از نظر ظاهر شبیه به همون گوسفندی هستی که ازش سلول پستانی را گرفتیم! یعنی دالی هم یک گوسفند صورت سفید هست!

بچه‌ها همان‌طور که می‌دونید تعیین کننده‌ی ویژگی‌های یک جاندار در اصل و اساس به DNA یا DNAهای جاندار بستگی داره! یعنی یک سری اطلاعات (ژن‌ها) در DNA جاندار وجود داره که مختص اون هستش و این اطلاعات شکل و قیافه و ویژگی‌های اون جاندار رو تعیین میکنه! این DNA یا بهتره بگم ماده‌ی ژنتیک به دو قسمت تقسیم میشه:

 **ماده‌ی ژنتیک موجود در هسته** ← بخش عمده‌ی DNA ما در هسته هستش.

 **ماده ژنتیک موجود در سیتوپلاسم** ← بخش کوچکی از DNA ما در میتوکندری‌هامون قرار داره!

از اونجایی که بخش عمده‌ی ماده‌ی ژنتیک جانداران یوکاریوت در هسته واقع شده پس باید این انتظار رو داشته باشیم که ویژگی‌های این جاندار رو هسته تعیین کنه و میتوکندری‌ها نقش خیلی جزئی در تعیین ویژگی‌های جاندار داشته باشن! تو آزمایش یان ویلموت همون‌طور که دیدین در سلول دیپلوئیدی که تشکیل شد هسته‌ش کاملاً از سلول پستانی گوسفند **a** (صورت سفید) گرفته شده بود و سیتوپلاسمش (میتوکندری‌ها در سیتوپلاسم شناورند) هم از سلول پستانی گوسفند **a** (صورت سفید) هم از سلول تخمک بدون هسته گوسفند **b** (صورت سیاه) گرفته شده بود! و چون ما می‌دونیم که هسته‌ی سلول در تعیین ویژگی‌های جاندار نقش غالب‌رو داره پس این انتظار رو داریم که گوسفند متولد شده یا همون دالی شبیه به گوسفندی می‌باشد که ما سلول پستانی رو از اون گرفتیم.

نکته مهم: طبق جمله کتاب درس گوسفند دالی از نظر ژنتیکی کاملاً مشابه با گوسفندی بود که سلول پستان از آن گرفته شده بود!

توجه توجه

این جمله خیلی هم درست نیست و باید بگیم تقریباً مشابه او نه کاملاً! چرا؟ چون همون‌طور که اشاره کردم همه‌ی میتوکندری‌های سلول دیپلوئید از سلول تمایز یافته پستان گرفته نشده بلکه مخلوطی از میتوکندری‌های تخمک بدون هسته و سلول پستانی هستش!

نکته مهم: دقت داشته باشید که تو آزمایش یان ویلموت ما هیچ عمل خاصی انجام ندادیم! بلکه تخمک رو برور کردیم!

نکته مهم: دقت داشته باشید که در این آزمایش سلول دیپلوئید بوجود آمده می‌توان گفت به چیزی شبیه به زیگوت بود و نه خود زیگوت!

نکته مهم: تو این روش از مهندسی ژنتیک بر خلاف کلون کردن ژن ما از هیچ آنزیم محدود کننده و DNA لیگازی استفاده نکردیم! هیچ DNA نو ترکیبی هم تولید نکردیم! هیچ انتهای چپنده‌ی هم ایجاد نشده!

 **نتیجه گیری مهم:** این که بیایم بگیم همیشه و همواره در مهندسی ژنتیک از آنزیم‌های محدود کننده و DNA لیگاز استفاده می‌شود یا DNA نو ترکیب تولید می‌شود و یا از وکتور استفاده می‌شود غلط است!

نکته مهم:

دالی رو ما نمی‌توانیم بگیریم یک جاندار تراژن است! اصلاً تعریف جاندار تراژن ربطی به این ندارد! چون دالی فاقد ژن یگانۀ هشت و تمام ژنهاش مال خودش.

نکته مهم:

دقت داشته باشید گوسفندی که به عنوان مادر جانین انتخاب شد در واقع می‌تواند گفت با گوسفندی که تخمک رو داده بود هم تراز بودند! بدو برو شکل رو نگاه کن! مبینی چقدر شبیه به هم هستن!

نکته مهم:

بچه‌ها اگر از شما پیرسَن ژنوم دالی رو بگیرد شما چی می‌بینن؟ شما میلیون ژنوم دالی عبرت است از:

محتوای DNA میتوکندری سلول تمایز یافته پستانی گوسفند.

محتوای DNA میتوکندری سلول تخمک گوسفند.

محتوای DNA هسته سلول پستانی گوسفند.

جمع مورد های ۲۱ می‌شود ژنوم سیتوپلاسمیش و مورد ۳ می‌شود ژنوم هسته‌اش! جمع مورد ۱ و ۲ و ۳ هم می‌شود کل ژنوم دالی.

جاندار تراژنی:

به جاندار گفته می‌شود که داخل سلول های آن DNA گونه ی دیگری وجود دارد. دقت داشته باشید که در بحث تراژن بودن آن DNA باید از یک گونه ی دیگری باشد و نه از هم گونه ی خود! مثلاً اگر یک ژن از یکی از سلول های بدن من را در بیاورند و وارد یکی از سلول های فرد دیگری کنند آن فرد تراژن محسوب نمی‌شود! چرا که هر دوتایمان انسان هستیم و هم گونه! خوب در کتاب درسی در جاهای مختلفی مثال هایی از انتقال ژن از یک جاندار به جاندار دیگری آورده شده است. گروهی از انتقال ژن ها باعث ایجاد یک جاندار تراژن شده است و گروهی دیگر خیر!

جانداران زیر تراژن نمی باشند:

باکتری هایی که طی فرآیند هم یوگی از یکدیگر پلازمید خاصی را دریافت می کنند.

فردی که در طی ژن درمانی یک ژن خارجی از افراد هم گونه ی خود دریافت کرده است.

جانداری که RNA دریافت کرده باشد.

جانداری که طی فرآیند کلون کردن ایجاد می شود مثل گوسفند دالی.

جانداران زیر تراژن محسوب می شوند:

گوسفند و گاوهای ایجاد شده ای که در خود یک ژن انسانی مانند ژن رمز کننده ی هورمون رشد انسانی در خود دارند.

اولین جانداري که به وسیله ی مهندسی ژنتیک تحت دست ورزی قرار گرفت. این جاندار همان اشیریشیا کلای است که دارای ژن رمز کننده ی rRNA می باشد.

باکتری که در مثال کتاب درسی ژن رمز کننده ی انسولین را وارد آن کردیم.

گیاهی که به منظور تولید پروتئین انسانی ژن رمزکننده ی آن پروتئین خاص را وارد سلول هایش کرده ایم.

گیاهی که توسط باکتری عامل گال آلوده شده است چرا که پلازمید باکتری وارد سلول های این گیاه شده است.

نکته مهم:

دقت داشته باشید که پلازمید Ti علاوه بر سلول های فاقد هسته و مرده ، سلول هایی که قدرت تقسیم میتوز ندارند را هم آلوده نمی کند! چرا که هدف از آلوده کردن تحریک این سلول به انجام میتوزهای فراوان است! اگر از سال دوم دبیرستان خاطرتون باشه گفتیم که سلول های کلانشیم توانایی تقسیم میتوز را ندارند! پس Ti نمی تواند این سلول ها را آلوده کرده و باعث ایجاد گال شود.

نکته مهم:

تقریباً پنی سیلیم که یک جاندار هاپلوئید می باشد عدد کروموزومی اش ۲ می باشد یعنی ۲ کروموزوم غیر همتا در خود دارد. ژنوم هسته ای این جاندار می شود ۲ کروموزوم! و ژنوم سیتوپلاسمی اش می شود محتوای ژنتیکی میتوکندری هایش!

نکته مهم:

ما در میتوکندری ها و کلروپلاست ها هم DNA پلی مرار داریم و هم RNA پلی مرار! برای همین اگر پرسند که در یک یوکاریوت آیا ممکن است آنزیم DNA پلی مرار در سیتوپلاسم فعالیت کند؟ میگوییم بله! چون میتوکندری جزئی از سیتوپلاسم می باشد! اگر به جای سیتوپلاسم می گفت سیتوسل اون موقع می گفتیم نه!

توجه توجه ⚠

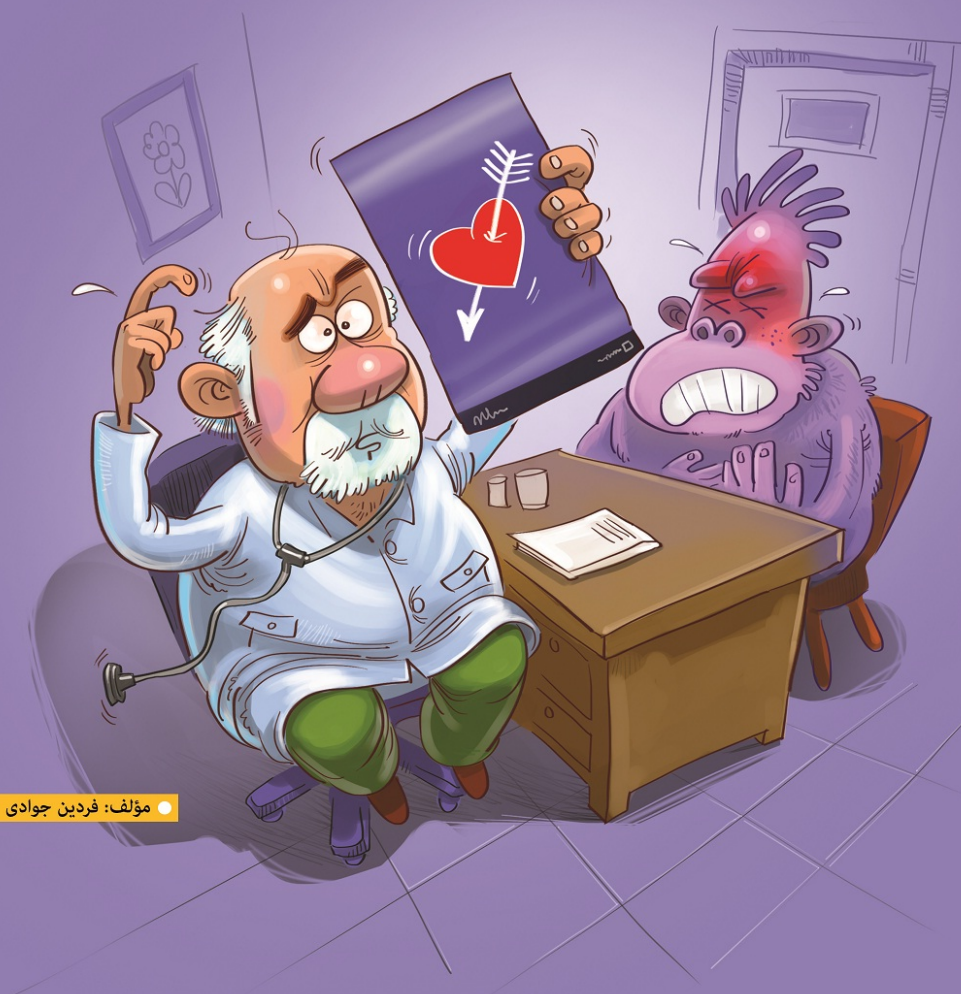
بچه ها سیتوسل رو با سیتوپلاسم قاطی نکنید! سیتوپلاسم عبارت است از سیتوسل + تمام اندامک ها و اجزاء داخل آن به جز هسته!

فاگو زیست

(زیست خوار)

مبحث قلب

مفهومی، ترکیبی، تعمیمی، مقایسه ای



● مؤلف: فردین جوادى